یادداشت



علی کفاشیان
دبیرکل پیشین کمیته ملی المپیک

## صندلی داغ المپیک

کمیته ملی المپیک یکی از ارکان مهم ورزش کشور است؛ نهادی که برخلاف وزارت ورزش و جوانان، وظیفه نظارت مستقیم بر فدراسیون‌ها را برعهده ندارد و باید بیش از هر چیز نقش حامی و پشتیبان آنها را ایفا کند. فلسفه وجودی این نهاد، حمایت از فدراسیون‌ها برای حضور موفق در رویدادهای بزرگی همچون بازی‌های آسیایی و المپیک و فراهم کردن شرایط مناسب برای آماده‌سازی ورزشکاران است؛ حمایتی که باید به دور از تنش و دخالت در امور اجرایی فدراسیون‌ها انجام شود.

حضور شش رئیس فدراسیون در ترکیب هیأت اجرایی نیز نشان می‌دهد بخش مهمی از تصمیم‌گیری‌های کمیته ملی المپیک به نمایندگان خانواده ورزش سپرده شده است. البته مسئولیت اصلی اداره این مجموعه برعهده رئیس کمیته است؛ فردی که باید با شناخت دقیق از ظرفیت‌ها و نیازهای ورزش کشور، برای برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها با وزارت ورزش و جوانان هماهنگ باشد. در چنین ساختاری، دبیرکل نیز نقشی تعیین‌کننده دارد و قدرت مدیریتی او می‌تواند بخش قابل‌توجهی از بار اجرایی کمیته را به دوش بکشد.

کمیته ملی المپیک دو مأموریت اصلی دارد؛ کمک به آماده‌سازی ورزشکاران برای حضور در بازی‌های آسیایی و المپیک و توسعه ارتباطات ورزش ایران با دنیای ورزش؛ هرچند برخی این نهاد را پل ارتباطی ورزش ایران با جهان می‌دانند. واقعیت این است که فدراسیون‌ها در بسیاری از موضوعات بین‌المللی، ارتباط مستقیم با کنفدراسیون‌های قاره‌ای و فدراسیون‌های جهانی دارند و مسائل خود را از همین مسیر پیگیری می‌کنند. کمیته ملی المپیک نیز می‌تواند با حمایت از مدیران ایرانی دارای کرسی‌های بین‌المللی، زمینه تقویت جایگاه ورزش کشور را فراهم کند؛ نقشی که انتظار می‌رود در تعامل با کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) پررنگ‌تر و اثرگذارتر باشد.

انتخاب رئیس کمیته ملی المپیک همواره با یک پرسش مهم همراه است: ورزش به مدیری ورزشی نیاز دارد یا چهره‌ای سیاسی و بانفوذ؟ رئیس ورزشی می‌تواند با شناخت رشته‌ها و اولویت‌های فنی، منابع مالی را هدفمند توزیع کند؛ در مقابل، مدیری برخوردار از ارتباطات سیاسی و قدرت چانه‌زنی شاید بتواند اعتبارات و امکانات بیشتری برای ورزش کشور جذب کند. هر دو ویژگی می‌توانند به سود ورزش باشند، مشروط بر اینکه منافع فدراسیون‌ها و ورزشکاران در اولویت قرار گیرد.

نکته مهم دیگر، نگاه برابر به ورزش زنان و مردان است. وقتی هدف اصلی، حضور موفق در بازی‌های آسیایی و المپیک و کسب مدال باشد، معیار حمایت باید شانس موفقیت، ظرفیت فنی و برنامه آماده‌سازی ورزشکاران باشد، نه جنسیت آنها. ورزشکار زن و مردی که ظرفیت مدال‌آوری دارد، باید از حمایت متناسب برخوردار شود. کمیته ملی المپیک قرار نیست جای فدراسیون‌ها را بگیرد یا در امور اجرایی آنها دخالت کند؛ مأموریت این نهاد، پشتیبانی، تسهیلگری و فراهم کردن امکانات لازم برای موفقیت ورزش ایران است. رئیس آینده کمیته نیز باید بتواند میان شناخت ورزشی، قدرت مدیریتی و توانایی تعامل با نهادهای داخلی و بین‌المللی توازن برقرار کند. ورزش ایران به مدیری نیاز دارد که قدرت حمایت از قهرمانان را به نتیجه‌ای ملموس در میدان رقابت تبدیل کند.

یادداشت



علی رغبتی
کارشناس ورزش

## آزمون شایستگی

کمیته ملی المپیک را باید دروازه ورود ورزش ایران به عرصه بین‌المللی دانست؛ نهادی که نقطه اتکای روابط کشور با کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) و فدراسیون‌های جهانی است. اعتبار و قدرت ارتباطی این نهاد می‌تواند جایگاه ورزش ایران را در معادلات جهانی ارتقا دهد و مهم‌تر از آن، حافظ منافع و اعتبار ورزش ملی باشد. به همین دلیل، صیانت از جایگاه کمیته ملی المپیک یک ضرورت راهبردی است و همه ارکان ورزش باید برای تقویت آن تلاش کنند. این نهاد باید فرصت و اختیار کافی داشته باشد تا از ظرفیت دیپلماسی ورزشی در خدمت منافع ملی بهره ببرد.

رئیس آینده کمیته ملی المپیک برای ایفای چنین نقشی باید مدیری توانمند، آشنا با مناسبات بین‌المللی و برخوردار از شناخت عمیق نسبت به ساختار ورزش کشور باشد. مدیریت این نهاد به دانش روز، قدرت تعامل و توانایی استفاده از چهره‌های بانفوذ و صاحب ظرفیت نیاز دارد. البته دانش مدیریتی را نمی‌توان تنها با مدرک تحصیلی سنجید؛ اشراف بر نیازهای ورزش ملی و شناخت مطالبات نهادهای بین‌المللی اهمیت بیشتری دارد.

یکی از ضرورت‌های مهم، هماهنگی راهبردی میان وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک است. این دو مجموعه نباید مسیرهای جداگانه‌ای را دنبال کنند، بلکه باید با تدوین برنامه‌ای کلان و مکمل، زمینه رشد و ارتقای ورزش ایران را فراهم آورند. کمیته ملی المپیک می‌تواند با برنامه‌ریزی هدفمند، مسیر حضور قدرتمندتر ورزشکاران ایران در عرصه‌های بین‌المللی را هموار کند.

البته تحقق این اهداف نباید تنها بر دوش یک نفر باشد. کاندیداهای ریاست باید از دانش، تجربه و کارنامه مدیریتی قابل دفاع برخوردار باشند و پس از رقابت انتخاباتی نیز نتیجه را بپذیرند. بهره‌گیری از ظرفیت همه نامزدها در جایگاه‌های اجرایی، نواب رئیس و دبیرکلی می‌تواند به شکل‌گیری مدیریتی همدلانه و کارآمد کمک کند. حتی نقد عملکرد مدیران نیز زمانی سازنده است که با پیشنهاد و راهکار همراه باشد. در این میان، ورزش زنان نباید به حاشیه رانده شود. دستاوردهای دختران ایران پس از بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴، المپیک ۲۰۱۶، بازی‌های آسیایی هانگژو و المپیک ۲۰۲۴ پاریس نشان داد این بخش از ورزش کشور از ظرفیت بزرگی برای مدال‌آوری برخوردار است. نتایج اخیر، ضرورت بازنگری در اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها و توجه جدی‌تر به استعدادهای زنان را آشکار کرده است.

یکی از آفت‌های ورزش زنان، سهمیه‌بندی و نگاه جنسیتی در تقسیم فرصت‌هاست. شایسته‌سالاری باید جایگزین چنین رویکردی شود. دختران ورزشکار ایران بارها توانایی خود را ثابت کرده‌اند و شایسته برخورداری از فرصت‌های برابر در مدیریت، تصمیم‌سازی و رقابت هستند. البته نباید انتظار داشت ثمره این سرمایه‌گذاری یک‌شبه به دست آید. با حمایت مستمر، برنامه‌ریزی و صبوری، می‌توان امیدوار بود دختران ایران در المپیک‌های پیش رو دستاوردهای درخشان‌تری رقم بزنند. انتخابات کمیته ملی المپیک فرصتی برای انتخاب یک مدیر و البته ترسیم مسیر آینده ورزش ایران است؛ فرصتی که نباید با رقابت‌های مقطعی هدر برود.

«ایران» معیارهای انتخاب رئیس آینده کمیته ملی المپیک را بررسی می‌کند

# انتخابی که آینده ورزش را می‌سازد

**سینا حسینی/** آغاز ثبت‌نام نامزدهای انتخابات کمیته ملی المپیک، بار دیگر یکی از حساس‌ترین مقاطع تصمیم‌گیری در مدیریت ورزش کشور را پیش روی خانواده ورزش قرار داده است؛ انتخاباتی که نتیجه آن می‌تواند برآینده ورزش قهرمانی، مناسبات مدیریتی فدراسیون‌ها و جایگاه ایران در ساختار بین‌المللی ورزش تأثیر مستقیم بگذارد. اهمیت این رقابت ایجاب می‌کند که نگاه به آن به جابه‌جایی مدیران و رقابت بر سر یک کرسی سازمانی محدود نشود. ورزش ایران با مطالبات انباشته، برخی کاستی‌های ساختاری و مدیریتی روبه‌روست که رئیس آینده کمیته ملی المپیک باید برای آنها پاسخ و راهکار عملی داشته باشد. پرسش اصلی این است که کدام نامزد توانایی بیشتری برای اصلاح وضع موجود دارد؟

نخستین معیار ارزیابی نامزدها باید کارنامه واقعی آنها در مسئولیت‌های پیشین باشد. در فضای مدیریتی ورزش ایران، برخورداری از سابقه اجرایی گاهی به عنوان امتیازی تعیین‌کننده مطرح می‌شود؛ حال آنکه طول دوران مدیریت بدون دستاورد قابل اندازه‌گیری، نمی‌تواند نشانه شایستگی باشد. اعضای مجمع باید از نامزدها بپرسند چه برنامه‌هایی را به سرانجام رسانده‌اند، در مواجهه با مشکلات چه تصمیماتی گرفته‌اند و تا چه اندازه در قبال عملکرد خود پاسخگو بوده‌اند. مدیری که در مسئولیت‌های گذشته نتوانسته نشانه‌های روشنی از تحول و کارآمدی ارائه کند، چگونه می‌تواند با وعده‌های انتخاباتی اعتماد مجمع را جلب کند؟ تعامل مؤثر با فدراسیون‌ها و وزارت ورزش نیز باید در عمل اثبات شده باشد، نه اینکه به شعاری تکراری در برنامه‌های مدیریتی تبدیل شود.

دیپلماسی ورزشی نیز یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده در انتخاب رئیس آینده است؛ حوزه‌ای که ضعف در آن هزینه‌های قابل توجهی به ورزش کشور تحمیل کرده است. افزایش کرسی‌های بین‌المللی، حضور در کمیسیون‌های تخصصی و شکل‌دهی به ائتلاف‌های مؤثر، نباید در حد وعده‌های انتخاباتی باقی بماند. نامزدها باید توضیح دهند با چه راهبردی قصد دارند نفوذ ایران را در نهادهای بین‌المللی افزایش دهند؛ چراکه حضور تشریفاتی در مجامع جهانی دستاوردی برای ورزش کشور ایجاد نمی‌کند.

در عرصه داخلی نیز ضعف اقتصادی فدراسیون‌ها، وابستگی به منابع محدود و نبود شفافیت در تخصیص اعتبارات نیازمند توجه جدی است. رئیس آینده باید برای جذب سرمایه‌های غیردولتی، ایجاد درآمدهای پایدار و توزیع متوازن منابع برنامه‌ای قابل سنجش داشته باشد. همچنین ارتقای عملکرد کاروان‌های ایران در بازی‌های آسیایی و المپیک باید با اهداف مشخص و ارزیابی مستمر دنبال شود، نه وعده‌هایی که پس از ناکامی به توجیه نتایج منتهی می‌شوند.

مسئولیت اعضای مجمع نیز کمتر از نامزدها نیست. اگر شهرت، روابط شخصی و ائتلاف‌های مقطعی جای شایستگی و برنامه را بگیرند، نمی‌توان انتظار تحول مدیریتی داشت. آینده کمیته ملی المپیک به انتخاب مدیری وابسته است که کارنامه، توان اجرایی، سلامت مدیریتی و جسارت اصلاح داشته باشد.

سعید فائقی، دبیر پیشین کمیته ملی المپیک در گفت‌وگو با «ایران»:

## رئیس کمیته المپیک را از میان المپین‌ها انتخاب کنید

**پریسا غفاری/ دبیرکل پیشین کمیته ملی المپیک معتقد است اداره این نهاد مهم ورزشی نیازمند مدیری است که علاوه بر شناخت عمیق از ورزش قهرمانی و تجربه حضور در المپیک، از اعتبار بین‌المللی و توانایی تعامل با دولت برخوردار باشد. او با انتقاد از روند انتخابات کمیته ملی المپیک، تأکید می‌کند که نباید صندلی ریاست این نهاد به محلی برای رقابت‌های سیاسی و جناحی تبدیل شود. فائقی همچنین از ضرورت توجه جدی‌تر به رشته‌های پایه و پرمدال و فراهم کردن فرصت حضور زنان در عالی‌ترین سطوح مدیریتی ورزش سخن می‌گوید. با نزدیک شدن به مجمع انتخاباتی کمیته ملی المپیک در هفتم دی‌ماه، گمانه‌زنی‌ها درباره گزینه‌های احتمالی ریاست این نهاد افزایش یافته است. هرچند رئیس آینده برای یک دوره دوساله انتخاب خواهد شد، اما رقابت بر سر این جایگاه همچنان جدی به نظر می‌رسد. سعید فائقی، دبیرکل پیشین کمیته ملی المپیک، در گفت‌وگو با «ایران» با انتقاد از روند انتخاباتی این نهاد، از شاخص‌هایی می‌گوید که رئیس آینده باید از آنها برخوردار باشد.**

**به نظر شما مهم‌ترین شاخص برای انتخاب رئیس آینده کمیته ملی المپیک چیست؟**

پروسه انتخاباتی ما سال‌هاست که در مسیر اشتباهی حرکت می‌کند و متأسفانه اراده جدی برای اصلاح آن وجود ندارد. اعتقاد دارم فردی باید در رأس کمیته ملی المپیک قرار بگیرد که خودش المپین بوده یا سابقه پرورش قهرمانان المپیکی را داشته باشد. این موضوع نه‌تنها در ضوابط و چارچوب‌های حاکم بر جنبش المپیک مورد توجه قرار گرفته، بلکه در بسیاری از کمیته‌های ملی المپیک کشورهای دیگر نیز رعایت می‌شود؛ به‌جز ایران که چنین نگاهی در انتخابات آن کمتر دیده می‌شود. در هر دوره انتخاباتی هم شاهد هستیم که حتی به تعداد انگشتان یک دست، نامزد المپین نداریم. این روند باید اصلاح شود.

**چرا حضور یک چهره المپیکی در رأس کمیته ملی المپیک تا این اندازه اهمیت دارد؟**

کمیته ملی المپیک نهادی مستقل است که بر اساس منشور المپیک باید ارتباط میان ورزش کشور با فدراسیون‌های جهانی و کمیته بین‌المللی المپیک را به‌صورت مستقل برقرار کند. به تعبیری، این کمیته وزارت امور خارجه ورزش کشور است. مراجع بین‌المللی، کمیته ملی المپیک را به رسمیت می‌شناسند و باید جایگاه آن را بسیار مهم بدانیم. بنابراین رئیس این نهاد باید از اعتبار و جایگاه لازم در سطح بین‌المللی برخوردار باشد. نباید نگاه فردی و جناحی به این انتخاب داشته باشیم. وقتی المپین‌های ما در سطح جهان مطرح هستند، باید مدیری در رأس کمیته قرار بگیرد که بتواند پاسخگوی انتظارات و مطالبات ورزشکاران و جامعه ورزش در چنین سطحی باشد.



**آیا سابقه ورزشی و اعتبار بین‌المللی برای اداره کمیته کافی است یا رئیس آینده باید ویژگی‌های مدیریتی دیگری هم داشته باشد؟**

طبیعتاً شاخص‌های دیگری هم اهمیت دارند. در درجه اول، فردی باید این مسئولیت را بپذیرد که به آن علاقه‌مند باشد و اشراف و شناخت کافی از وظایف و ساختار کمیته ملی المپیک داشته باشد. علاوه بر این، توانایی برقراری ارتباط مؤثر با بدنه دولت را هم داشته باشد. ما برای پیشبرد برنامه‌های ورزش به همراهی و همکاری دولت نیاز داریم. رئیس کمیته باید بتواند از ظرفیت‌های موجود استفاده کند و زمینه تعامل سازنده میان دولت و مجموعه ورزش را فراهم آورد. چنین ارتباطی می‌تواند در حل بسیاری از مشکلات و تسهیل امور ورزش کشور مؤثر باشد.

**با این معیارها، ارزیابی شما از سطح مدیران فعلی و گزینه‌های احتمالی انتخابات چیست؟**

مدت‌هاست که رؤسای کمیته و نامزدهای مطرح برای این جایگاه از چنین تراز و شاخص‌هایی برخوردار نیستند و این موضوع قطعاً به ورزش کشور لطمه می‌زند. ما در گذشته شرایط بهتری داشتیم و حتی توانستیم کرسی‌های بین‌المللی نیز به دست بیاوریم. رسیدن به این جایگاه‌ها اتفاق ساده‌ای نیست و نمی‌توان انتظار داشت بدون برخورداری از شایستگی و اعتبار لازم، در مجامع جهانی صاحب موقعیت شویم. برای کسب کرسی‌های بین‌المللی باید افراد توانمند و دارای صلاحیت را معرفی کنیم. اعتقاد دارم در انتخاب رئیس آینده کمیته نیز باید همین نگاه حاکم باشد.



منبع: کمیته ملی المپیک

نباید تنها درباره توانمندی زنان صحبت کنیم؛ باید اعتماد کنیم و فرصت حضور در سطوح بالای تصمیم‌گیری ورزش را به آنها بدهیم

**یکی از انتقادهای همیشگی به مدیریت ورزش، کم‌توجهی به رشته‌های پایه و پرمدال است. کمیته ملی المپیک چه نقشی در اصلاح این روند دارد؟**

متأسفانه سال‌هاست شعار توجه به رشته‌های پایه و پرمدال را مطرح می‌کنیم، اما در عمل هیچ‌گاه نگاه جدی و برنامه‌ریزی‌شده‌ای برای حمایت از آنها نداشته‌ایم. کمیته ملی المپیک باید توجه حمایتی بیشتری به رشته‌هایی مانند دوومیدانی، ژیمناستیک و شنا داشته باشد. این رشته‌ها ظرفیت بالایی برای مدال‌آوری دارند و توسعه آنها می‌تواند به ارتقای جایگاه ورزش ایران در رقابت‌های بین‌المللی کمک کند. توجه بیش از اندازه به برخی رشته‌ها و غفلت از رشته‌های دیگر، آسیب‌های جدی به ورزش ما وارد کرده است. باید در سیاست‌گذاری‌ها تجدیدنظر کنیم و توزیع امکانات و حمایت‌ها را متناسب با ظرفیت مدال‌آوری رشته‌ها پیش ببریم.

**اخیراً مرضیه جعفری عنوان بهترین مربی سال آسیا را به دست آورد. این موفقیت را چقدر در تغییر نگاه به مدیریت زنان در ورزش مؤثر می‌دانید؟**

ابتدا باید این موفقیت را به خانم مرضیه جعفری تبریک بگویم. کسب عنوان بهترین مربی سال آسیا نشان‌دهنده توانمندی زنان ورزشکار و مربیان ایرانی است؛ زنانی که با وجود سختی‌ها و محدودیت‌های فراوان، برای رسیدن به موفقیت تلاش می‌کنند و افتخارآفرین می‌شوند. باید به این ظرفیت باور داشته باشیم و شرایطی فراهم کنیم که زنان بتوانند به جایگاه واقعی خود در ورزش برسند. هدف ما باید حرکت از شرایط نابرابر به سمت فرصت‌های برابر باشد.

**آیا می‌توان انتظار داشت روزی یک زن المپین ریاست کمیته ملی المپیک را برعهده بگیرد؟**

چرا که نه؟ امیدوارم جامعه ورزش به سمتی حرکت کند که روزی یکی از زنان المپین کشورمان در رأس کمیته ملی المپیک قرار بگیرد. ما زنان توانمند و شایسته‌ای در ورزش داریم که می‌توانند مسئولیت‌های بزرگ مدیریتی را برعهده بگیرند. حتی معتقدم رؤسای فدراسیون‌ها می‌توانند در این زمینه پیشقدم شوند و با واگذاری جایگاه خود در هیأت اجرایی به نواب رئیس بانوان فدراسیون‌ها، فرصت حضور و نقش‌آفرینی بیشتری برای زنان فراهم کنند. نباید تنها درباره توانمندی زنان صحبت کنیم؛ باید اعتماد کنیم و فرصت حضور در سطوح بالای تصمیم‌گیری ورزش را به آنها بدهیم.

کیکاووس سعیدی، سرپرست پیشین دبیرکلی کمیته ملی المپیک در گفت‌وگو با «ایران»: کمیته ملی المپیک بدون تعامل با دولت موفق نمی‌شود

**مهری رنجبر/** سه روز مانده به آغاز ثبت‌نام نامزدهای انتخابات کمیته ملی المپیک، بار دیگر فضای ورزش ایران تحت‌تأثیر این رویداد قرار گرفته است؛ انتخاباتی که هم مشتاقان حضور در عرصه مدیریت ورزش را به تکاپو انداخته و هم به یکی از سوژه‌های مورد توجه رسانه‌ها تبدیل شده است. کیکاووس سعیدی، سرپرست پیشین دبیرکلی کمیته ملی المپیک، در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر اهمیت این انتخابات، معتقد است ترکیب مدیریتی آینده کمیته می‌تواند بر مسیر ورزش قهرمانی کشور تأثیرگذار باشد. او در تشریح جایگاه این نهاد می‌گوید: «کمیته ملی المپیک به‌عنوان نهادی مستقل و عالی‌رتبه، مسئولیت تعامل با IOC و فدراسیون‌های جهانی، اعزام کاروان‌های ورزشی به بازی‌های المپیک، آسیایی و سایر رویدادهای زیر نظر کمیته را برعهده دارد. به همین دلیل، انتخابات آن از چند جهت اهمیت دارد؛ از تعیین سیاست‌های کلان ورزش قهرمانی و اثرگذاری بر نظام مدیریتی فدراسیون‌ها گرفته تا برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه برای آماده‌سازی ورزشکاران و ایفای نقش در دیپلماسی ورزش. این نهاد همچنین براساس منشور المپیک و قوانین داخلی کشور، برای حفظ و ارتقای جایگاه ورزش ایران و پیشگیری از چالش‌های انضباطی بین‌المللی تلاش می‌کند.» سرپرست پیشین دبیرکلی کمیته ملی المپیک همچنین حضور چهره‌های غیرورزشی در رأس این نهاد را لزوماً منفی نمی‌داند و آن را در مقاطعی منشأ دستاوردهای مدیریتی و اجرایی ارزیابی می‌کند. او با اشاره به حضور مصطفی هاشمی‌طبا، حسین محلوجی و رضا صالحی‌امیری می‌گوید: «حضور این افراد در مقاطعی منشأ خیر و برکات و اثرگذاری مثبت بود. در دوره ریاست صالحی‌امیری نیز اصلاحات ساختاری و تقویت منابع، اتفاقات خوبی را رقم زد. نباید فراموش کرد که کمیته ملی المپیک با حضور سیاسیون شکل گرفت و در دوره‌هایی افرادی در سطح وزیر مسئولیت آن را برعهده داشتند. ارتباط با سطوح بالای دولت و برخورداری از ظرفیت تعاملات سیاسی و اجرایی، به باز شدن گره‌های اداری کمک می‌کرد.» موضوع ورزش زنان نیز بخش دیگری از دیدگاه‌های سعیدی درباره عملکرد کمیته ملی المپیک است. او با اشاره به تأکید IOC بر برابری جنسیتی، معتقد است این رویکرد نباید تنها به سهم زنان و مردان در ترکیب کاروان‌های ورزشی محدود شود، بلکه باید در ساختار مدیریتی و امکانات نیز نمود داشته باشد.

مصطفی هاشمی‌طبا، رئیس پیشین کمیته ملی المپیک در گفت‌وگو با «ایران»:

## به هیچ‌یک از رؤسای کمیته نمره عالی نمی‌دهم

**گروه ورزشی/** در آستانه آغاز ثبت‌نام نامزدهای انتخابات کمیته ملی المپیک، گمانه‌زنی‌ها درباره گزینه‌های ریاست این نهاد جدی‌تر شده است؛ انتخاباتی که می‌تواند مسیر مدیریت ورزش ایران در عرصه بین‌المللی را تحت‌تأثیر قرار دهد. در شرایطی که نام چهره‌های مختلفی برای حضور در این رقابت مطرح است، مصطفی هاشمی‌طبا، رئیس سه دوره کمیته ملی المپیک، معتقد است این نهاد در سال‌های گذشته از مأموریت اصلی خود فاصله گرفته و رئیس آینده باید با نگاهی بلندمدت، جایگاه المپیکی ورزش ایران را ارتقا دهد. سید مصطفی هاشمی‌طبا در گفت‌وگو با «ایران» درباره پیش‌بینی شانس موفقیت گزینه‌های احتمالی ریاست کمیته می‌گوید: «پیش‌بینی اینکه چه کسی می‌تواند موفق باشد یا نباشد، بسیار دشوار است. کمیته ملی المپیک یک مرجع بین‌المللی به نام IOC دارد و باید ارتباطات مهم بین‌المللی را مدیریت کند. به نظرم پس از پایان دوره حضورم در کمیته، هیچ مدیری نتوانست عضویت‌ها را ادامه دهد و ما از این بابت متضرر شدیم. به هیچ‌یک از رؤسای کمیته نمی‌توانم نمره عالی بدهم. آنها در همه امور ورزشی دخالت دارند، به‌جز آنچه وظیفه اصلی‌شان است؛ یعنی المپیک.» رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی، تمرکز بر مأموریت‌های اصلی کمیته را ضرورت مدیریت آینده می‌داند و تأکید می‌کند: «کمیته ملی المپیک، در کنار ارتباط با کمیته‌های المپیک سایر کشورها، باید تمام تمرکز خود را بر موفقیت در بازی‌های المپیک و آسیایی بگذارد. مدیریت ورزش، توسعه زیرساخت‌ها و پرورش استعدادها برعهده وزیر ورزش است؛ مگر اینکه رئیس کمیته شخصیتی داشته باشد که بتواند امکانات جذب کند و با دانش و توانایی خود بر تیم‌های ورزشی و ورزش قهرمانی تأثیر بگذارد. متأسفانه بسیاری از افرادی که در این جایگاه قرار گرفتند، چنین توانی نداشتند.»

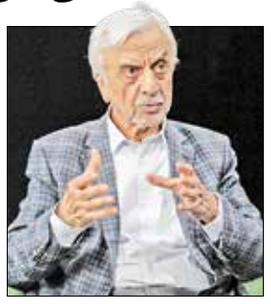

او درباره گزینه‌های احتمالی ریاست نیز معتقد است سابقه فعالیت ورزشی به‌تنهایی برای موفقیت کافی نیست. مصطفی هاشمی‌طبا می‌گوید: «افرادی که نامشان مطرح شده، در حوزه ورزش فعالیت داشته‌اند، اما آماده‌سازی فدراسیون‌ها و تیم‌های ملی و برنامه‌ریزی برای رشد و توسعه ورزش کشور اهمیت زیادی دارد. امیدوارم هر فردی که انتخاب می‌شود، بتواند نیازهای ورزش کشور را در این زمینه تأمین کند.»

مصطفی هاشمی‌طبا همچنین توجه به ورزش زنان را از اولویت‌های رئیس آینده کمیته می‌داند و می‌گوید: «زنان با وجود محدودیت‌های فراوان، طی دو، سه سال اخیر سهم خوبی در مدال‌آوری کاروان ایران داشته‌اند. آنها نشان داده‌اند با انگیزه و توانمند هستند و چه بسا در المپیک‌های آینده بیشترین سهمیه‌های کاروان را به خود اختصاص دهند. در کشورهای صاحبنام المپیک نیز زنان سهم قابل‌توجهی در مدال‌آوری دارند. اکنون که به توانایی ورزشکاران زن خود ایمان پیدا کرده‌ایم، باید با برنامه‌ریزی بلندمدت و اختصاص بودجه ویژه، زمینه ارتقای جایگاه کشورمان را فراهم کنیم. حمایت و برنامه‌ریزی نیاز اصلی این بخش است.» رئیس سه دوره کمیته ملی المپیک، تدوین برنامه‌ای دست‌کم ۱۲ ساله را لازمه ارتقای عملکرد این نهاد می‌داند و تأکید می‌کند: «رئیس کمیته می‌تواند زمینه شکوفایی ورزش ایران را فراهم کند و از استعدادها به صورت سیستماتیک و علمی بهره ببرد.»

مریم کاظمی‌پور، رئیس آکادمی ملی پارالمپیک در گفت‌وگو با «ایران»:

## رئیس جدید کمیته نباید از ظرفیت دختران غافل شود

**گروه ورزشی/** با نزدیک شدن به زمان نام‌نویسی از نامزدهای متقاضی حضور در انتخابات کمیته ملی المپیک، یکی از انتظارات مهم از مدیران آینده ورزش کشور، توجه جدی‌تر به ظرفیت‌های ورزش زنان است؛ حوزه‌ای که با وجود استعدادهای فراوان و موفقیت در میادین بین‌المللی، همچنان برای رسیدن به جایگاه شایسته خود به حمایت و برنامه‌ریزی بیشتری نیاز دارد. مریم کاظمی‌پور، رئیس آکادمی ملی پارالمپیک و معاون پیشین توسعه ورزش زنان وزارت ورزش و جوانان، معتقد است: «مدیران جدید باید باور بیشتری به توانایی دختران ورزشکار داشته باشند و از این سرمایه ارزشمند برای افزایش سهم ایران در مدال‌آوری رویدادهای بزرگ حمایت کنند.» کاظمی‌پور با اشاره به محدودیت زمانی این دوره مدیریتی، درباره اولویت‌های رئیس جدید در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «هر فردی که مسئولیت کمیته را برعهده بگیرد، فرصت انجام کارهای بنیادی، کشف استعدادهای جدید و پرورش قهرمانان را نخواهد داشت، بلکه باید داشته‌های ورزش کشور را حفظ کند و با برنامه‌ریزی و حمایت از جامعه ورزش، مسیر موفقیت در المپیک لس‌آنجلس را هموار سازد.» رئیس آکادمی ملی پارالمپیک، توجه به ورزش زنان را یکی از ضرورت‌های مدیریت آینده ورزش کشور می‌داند و معتقد است سهم بالای بانوان در مدال‌آوری بازی‌های المپیک و آسیایی باید در سیاست‌گذاری‌های مدیریتی مورد توجه قرار بگیرد. او تأکید می‌کند: «بحث مدال‌آوری این قشر به نام رئیس آینده کمیته بستگی ندارد، بلکه مدیر جدید باید بداند بانوان ورزشکار که با تکیه بر مهارت و استعداد خود در میادین بین‌المللی می‌درخشند، سرمایه‌ای ارزشمند برای ایران هستند. ورزش زنان به تقویت ظرفیت استعدادیابی از پایه نیاز دارد و اگر این مسیر به‌درستی دنبال شود، گنجینه‌ای از استعدادها شکل می‌گیرد که با برنامه‌ریزی و مهارت‌آموزی مستمر می‌تواند به مدال‌آوری و رشد ورزش قهرمانی منجر شود.»



کاظمی‌پور برای اثبات اهمیت این موضوع به عملکرد زنان در المپیک پاریس اشاره می‌کند؛ رقابت‌هایی که حضور بانوان در کاروان ورزشی ایران با رشد ۲۸ درصدی همراه بود. او با مقایسه سهم زنان در مدال‌های کشورهای صاحب ورزش جهان می‌گوید: «نگاهی به جدول مدال‌های المپیک پاریس نشان می‌دهد سهم زنان در مدال‌آوری کشورهایی مانند آمریکا، چین و ژاپن بسیار بالاست. آمریکا ۴۰ مدال طلا، ۴۴ نقره و ۴۲ برنز کسب کرد که ۲۶ طلا، ۲۳ نقره و ۱۸ برنز آن به زنان اختصاص داشت؛ یعنی بانوان سهمی ۵۳ درصدی از مدال‌های این کشور داشتند.» او در ادامه به عملکرد کاروان ایران اشاره می‌کند: «تیم ایران در پاریس ۱۲ مدال شامل ۳ طلا، ۶ نقره و ۳ برنز کسب کرد. دختران ورزشکار نیز با کسب ۱۱ سهمیه و دو مدال نقره و برنز در تکواندو، سهمی ۱۶ درصدی در مدال‌های کاروان داشتند. این آمار نشان می‌دهد ظرفیت ورزش زنان برای افزایش مدال‌های ایران بسیار قابل توجه است.»

کاظمی‌پور با تأکید بر ضرورت توسعه زیرساخت‌ها و گسترش استعدادیابی در سراسر کشور می‌گوید: «باید برای پیشرفت زیرساخت‌ها برنامه داشته باشیم و زمینه حضور دختران بیشتری را در المپیک فراهم کنیم.»